



عوامل موثر بر فقر زمانی زنان در ایران

پدیدآورنده (ها) : میرزایی، سمیه؛ وارسته فر، افسانه؛ کامران، فریدون

میان رشته ای :: نشریه تحقیقات جدید در علوم انسانی :: زمستان ۱۳۹۵، دوره سوم - شماره ۱۶

صفحات : از ۵۹ تا ۷۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1188547>

تاریخ داندلود : ۱۴۰۳/۱۱/۰۶

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- اثر سیاست های حمایت از مصرف کنندگان بر توسعه تقاضا در زیر بخش دام و طیور
- خدمت وظیفه عمومی در آراء فقهای شورای نگهبان (بررسی موردی به کارگیری سربازان در نهادهای غیر نظامی و معافیت کفالت همسر)
- خدمت وظیفه عمومی از منظر آیات قرآن و سیره معصومین (علیهم السلام) (بررسی موردی امکان سنجی الزام به شرکت در جهاد نظامی)
- تأثیر مهارت ورزی سربازان بر زندگی آنان بعد از رهایی از خدمت سربازی
- مواضع فقها در قبال تصویب و اجرای قانون خدمت نظام اجباری (با تأکید بر مواضع شهید مدرس و حاج آقا نورالله اصفهانی) (۱۳۹۴-۱۳۲۰ش)
- مدلسازی هزینه فرصت نیروی انسانی مشمول خدمت وظیفه عمومی در ایران
- نظام وظیفه عمومی؛ درس های گذشته، چشم انداز و ضرورت های آینده
- خدمت نظام وظیفه: فرصتی اجتماعی
- بررسی میزان انطباق خدمت سربازی با شرع و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

عناوین مشابه

- شاخص فقر آب و عوامل اقتصادی موثر بر آن در ایران
- عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر طلاق در ایران با تاکید بر ادوار تجاری، آموزش و اشتغال زنان
- نقش جنسیت در مشارکت اقتصادی و عوامل موثر بر اشتغال زنان در ایران
- نگاهی جامعه شناختی به نقش تصورات قالبی جنسیتی در تبعیض شغلی علیه زنان و عوامل زمینه ای موثر بر شکل گیری این تصورات قالبی در فرهنگ ایران
- بررسی عوامل موثر بر بهره‌وری نیروی کار کشاورزی، توزیع درآمد و فقر در مناطق روستایی ایران
- ارزیابی عوامل اجتماعی-اقتصادی موثر بر سرمایه اجتماعی زنان (با تاکید بر نقش آن در اقتصاد گذار ایران)
- مطالعه رابطه عوامل موثر بر مشارکت سازمان های مردم نهاد در دسترسی زنان به شهروندی در ایران
- ملاحظات بر عوامل و شیوه های موثر در توانمند سازی زنان و اشتغال آنان در ایران با تاکید بر آموزش های مهارتی
- بررسی عوامل موثر بر تقاضای نفت کشورهای در حال توسعه (مطالعه موردی هندوستان) و پیش بینی کوتاه مدت فروش نفت ایران به این کشور (دوره زمانی ۲۰۰۵ - ۱۹۷۰)
- طراحی مدل تحلیل ساختاری- تفسیری عوامل موثر بر ایجاد سقف شیشه ای بر اساس تحلیل دلفی (مطالعه ای موردی: زنان شاغل در ستاد شرکت ملی پخش فراورده های نفتی ایران)

عوامل موثر بر فقر زمانی زنان در ایران

سمیه میرزایی¹، دکتر افسانه وارسته فر²، دکتر فریدون کامران³

1. کارشناسی ارشد علوم اجتماعی - جمعیت شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ایران

2. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ایران

3. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ایران

Maleki.dba@gmail.com

چکیده

هدف از انجام این تحقیق شناخت عوامل موثر بر فقر زمانی در میان زنان حداقل یک بار ازدواج کرده در مناطق شهری ایران در سال 1395 است. منظور از فقر زمانی، کمبود زمان در دسترس یا زمان باقیمانده افراد بعد از انجام فعالیت های اساسی مورد نیاز برای مراقبت شخصی، کارهای مزدی و غیر مزدی می باشد. روش تحقیق اسنادی است و از تحلیل ثانویه داده های جمع آوری شده در پیمایش گذران وقت ایران طی سال 1387-1388 استفاده شده است. جامعه آماری این مطالعه را زنان حداقل یک بار ازدواج کرده بالای 15 سال در مناطق شهری کشور تشکیل می دهند. حجم نمونه 11329 نفر زن حداقل یک بار ازدواج کرده است. بر اساس چارچوب نظری در دسترس بودن زمان؛ سه فرضیه مورد آزمون واقع شد. نتایج آزمون فرضیه ها نشان می دهد که وضعیت اشتغال، وضعیت ازدواج و تعداد فرزندان زیر شش سال بر فقر زمانی زنان، تأثیر گذار است. در این بین تأثیر اشتغال بر فقر زمانی بیش از دو متغیر دیگر است. همچنین یافته های تحقیق نشان می دهد زنانی که پس از انجام فعالیت های مزدی، غیرمزدی و مراقبت های شخصی، کمتر از 105 دقیقه زمان (زمان باقیمانده) در طول روز برایشان باقی بماند، از نظر زمانی فقیر محسوب می شوند. بر این اساس نتایج نشان می دهد که 81/3 درصد از زنان مورد بررسی در این تحقیق از نظر زمانی غیر فقیر و 18/7 درصد فقیر هستند. متناسب با نتایج بدست آمده هشت سیاست جمعیتی به عنوان پیشنهادات کاربردی ارائه شده است.

واژه های کلیدی: فقر زمانی، وضعیت اشتغال، وضعیت ازدواج و تعداد فرزندان وابسته

مقدمه

زنانه شدن فقر¹ مفهومی است که تاریخچه آن به دهه 1970 میلادی باز می گردد. در آغاز دهه 1990 از این مفهوم بصورت عمومی تری استفاده گردید و نه تنها سازمان های مرتبط با ملل متحد بلکه محققان و پژوهشگرانی که موضوع فقر زنان را دنبال می کردند بطور گسترده ای از این مفهوم برای بررسی فقر زنان در دنیا و بخصوص کشورهای در حال توسعه استفاده کردند (Medeiros and Costa, 2008). زنانه شدن فقر مفهومی است که سعی دارد نشان دهد فقر در دنیا، امری جنسیتی است و نسبت بزرگتری از زنان از آن رنج می برند (Chant, 2006). علی رغم آنکه سعی شده است در تعریف زنانگی فقر ابعاد و جنبه های گوناگون فقر مانند فقر درآمدی، فقر بهداشتی، فقر قابلیت و فقر تحصیلی در نظر گرفته شود و صرفاً روی فقر درآمدی تأکید نشود، اما این تعریف همچنان قادر نیست تمامی ابعاد فقر زنان را به تصویر بکشد. زیرا یکی از مهمترین ابعاد فقر زنان که در دهه گذشته کمتر مورد توجه واقع شده فقر زمانی زنان و به خصوص زنان شاغل و والد است. در این تحقیق تلاش شده است عوامل مؤثر بر فقر زمانی زنان در مناطق شهری کشور در سال های 1387-1388 با استفاده از داده های پیمایش گذران وقت ایران مورد بررسی قرار گیرد. این زنان، زنانی هستند که حداقل یک بار ازدواج کرده اند. روش تحقیق اسنادی بوده به نحوی که در آن از تحلیل ثانویه داده های پیمایش گذران وقت ایران استفاده شده و در کنار آن نیز با استفاده از مصاحبه با زنان گروه هدف، اطلاعات لازم برای بدست آوردن نتایج تحقیق جمع آوری گردیده است. متغیرهای مستقل این تحقیق وضعیت اشتغال، وضعیت ازدواج و تعداد فرزندان زیر 6 سال و متغیر وابسته فقر زمانی زنان می باشد.

چارچوب نظری و فرضیه های تحقیق

زیلاتاوالا (2011) دو رویکرد نظری را در خصوص عوامل مؤثر بر فقر زمانی زنان بررسی می کند. رویکرد نظری «در دسترس بودن زمان» در تبیین فقر زمانی زنان روی وضعیت ازدواج، وضعیت اشتغال و وضعیت والدینی تأکید دارد. زمان در دسترس افراد از میزان مدت زمانی که فرد یا سایر اعضای خانوار به کارمزدی و غیر مزدی اختصاص می دهند؛ تأثیر می پذیرد. اعضای خانواده که مدت زمان کمتری به کار مزدی اختصاص می دهند مدت زمان بیشتری در اختیار دارند که به کار بدون مزد خانه داری و بچه داری بپردازند. مادران ازدواج کرده این امتیاز را دارند که از همسر خود در انجام کارهای مزدی و غیرمزدی کمک بگیرند و بار این قبیل کارها را کاهش دهند. در حالی که برای مادران مجرد چنین انتخابی وجود ندارد. علاوه بر این، مادران مجرد منابع مالی کمتری برای اختصاص دادن به کارهای بدون مزد نظیر خانه داری یا بچه داری دارند. برای مثال آنها نمی توانند پرستار برای مراقبت از کودکان و یا کارگر برای کمک در انجام امور منزل استخدام کنند. رویکرد نظری در دسترس بودن زمان، پیشنهاد می کند که مادران

¹. Feminization of poverty

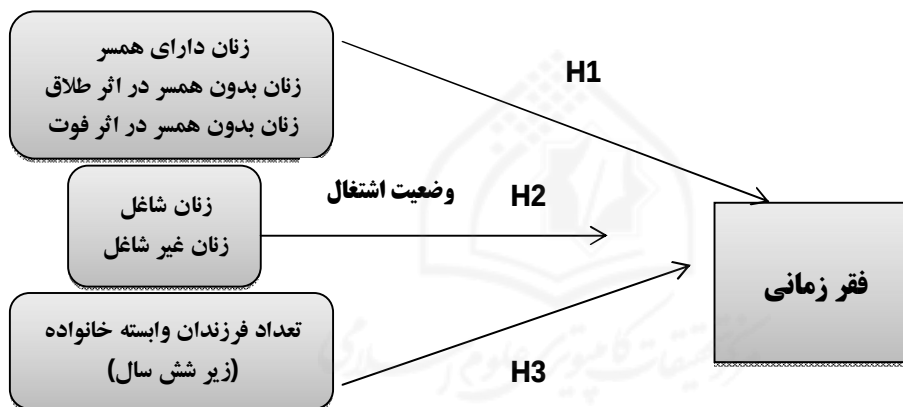
مجرد در مقایسه با مادران دارای همسر از کسری زمان بیشتری رنج می‌برند و احتمال بیشتری دارد که در مقایسه با مادران دارای همسر با فقر زمانی مواجه شوند. در مقابل این دیدگاه نظری، «رویکرد جنسیتی» تأکید می‌کند که کار خانه فعالیت خنثی جنسیتی نیست و آن مادرانی که به هر دلیلی از انجام کار بدون مزد خانه خودداری می‌کنند قادرند روابط قدرت نابرابری که بین زنان و مردان ازدواج کرده در خانه وجود دارد را به چالش بکشند و از فقر زمانی کمتری نیز رنج ببرند. ازدواج و تولد فرزند نیز فعالیت‌هایی جنسیتی شده هستند که می‌توانند نقش‌های جنسیتی را محکم و تقسیم کار جنسیتی شده را رغم بزنند. مادران دارای همسر به دلیل آن که به احتمال خیلی زیاد به تقسیم کار جنسیتی شده تن خواهند داد، بخش بزرگی از بارکارهای خانه نیز به دوش آنها خواهد افتاد. بنابراین داشتن همسر سبب می‌شود که آنان به میزان بیشتری از فقر زمانی رنج ببرند. در مقابل، مادران مجرد به دلیل آن که همسری ندارند می‌توانند در فعالیت‌های جنسیتی شده خود را درگیر نکنند و در نتیجه از فقر زمانی کمتری نیز رنج ببرند. رویکرد نظری دوم تئوری‌های ایدئولوژیک و افراطی فمینیست‌ها را در ذهن تداعی می‌کند و به نظر نمی‌رسد با واقعیت جامعه ایرانی سنخیت چندانی داشته باشد. این رویکردهای نظری تندرو سعی در القای این ایده دارند که اساساً مادری منشاء ظلم و ستم به زنان است زیرا زنان با به دنیا آوردن کودک مسئولیت مراقبت از او را نیز بصورت اتوماتیک بر عهده می‌گیرند. در واقع این رویکردهای نظری طوری وانمود می‌کنند که گویی مرد هیچ مسئولیتی در قبال فرزند به دنیا آمده بر عهده نمی‌گیرد. این در حالی است که فرزندآوری هر دوی والدین را از نظر زمانی دچار فقر می‌کند. در این خصوص تیفتن‌الر (1997) معتقد است به طور کلی یکی از پیامدهای داشتن فرزند (به خصوص فرزند خردسال) محدود ساختن زمان والدین می‌باشد. در اغلب موارد مادر اکثر فعالیت‌های مربوط به مراقبت از کودک را بر عهده دارند، در نتیجه فرزندآوری بودجه زمانی مادر را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. مادر به دلیل افزوده شدن فرزند خردسال به جمع خانوار ممکن است بیشتر کار کنند و در مقایسه با سایرین از فقر زمانی بیشتری رنج ببرند. همچنین ممکن است پدر نیز به دلیل جبران هزینه‌های اقتصادی ناشی از اضافه شدن فرزند بیشتر، مجبور باشد به میزان بیشتری کار مزدی انجام دهند. همچنین اگر مادر شاغل باشد و به دلیل وجود فرزند خردسال در خانواده دست از فعالیت مزدی خود بردارد، احتمالاً پدر برای جبران کاهش درآمد نیاز خواهد داشت مدت زمان بیشتری به کار مزدی اختصاص دهد. در تأیید این دیدگاه، تیفتن‌الر به مطالعه مولر (1984) اشاره می‌کند که دریافته بود در بوتسوانا وجود یک نوزاد در خانواده، کار بدون مزد مادر را افزایش و فراغت او را کاهش می‌دهد. همچنین مطالعه گرونا در سرزمین‌های اشغالی نشان داد که زنان با افزوده شدن فرزندان خردسال از کار مزدی و فراغت خود کاسته و بر کار بدون مزد خود می‌افزایند. مردان نیز بر میزان کار مزدی و غیر مزدی خود افزوده و از فراغت خود می‌کاهند. بدین ترتیب در این پژوهش از رویکرد «در دسترس بودن زمان» به منظور تنظیم فرضیات استفاده شده است. بر اساس رویکرد نظری در دسترس بودن زمان که در بالا بدان اشاره شد سه متغیر اصلی و اساسی شامل وضعیت اشتغال، وضعیت ازدواج و تعداد

فرزندان وابسته قادرند بر فقر زمانی زنان حداقل یک بار ازدواج کرده تأثیر گذارند. بر این اساس روابط زیر از نظر تئوریک انتظار می رود که بین متغیرهای مذکور به عنوان متغیرهای مستقل و احتمال دچار شدن زنان حداقل یک بار ازدواج کرده به فقر زمانی به عنوان متغیر وابسته وجود داشته باشد.

فرضیه های تحقیق با توجه به چارچوب نظری مطرح شده عبارتند از:

- وضعیت اشتغال بر فقر زمانی در زنان حداقل یک بار ازدواج کرده در مناطق شهری تأثیر گذار است.
- وضعیت ازدواج بر فقر زمانی در زنان دارای همسر، بدون همسر در اثر فوت و طلاق مؤثر است.
- تعداد فرزندان وابسته (زیر 6 سال) در خانواده بر افزایش فقر زمانی تأثیر گذار است.

وضعیت ازدواج



شکل 2-1: مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه روش اسنادی می باشد. در روش تحقیق اسنادی از تحلیل ثانویه داده ها استفاده شده و در کنار آن به منظور بهره گیری بهتر از نتایج تحقیق از طریق مصاحبه بک مطالعه میدانی از وضعیت گذران وقت زنان انجام شده است. در روش اسنادی از تحلیل ثانویه داده های پیمایش گذران وقت ایران در سال های 1387 و 1388 در مناطق شهری کشور که توسط مرکز آمار ایران جمع آوری شده، استفاده شده است.

جامعه آماری و روش نمونه گیری

در این مطالعه که در نیمه دوم سال 87 و نیمه نخست سال 88 صورت گرفته مراکز تعدادی از استان ها در نمونه گیری خوشه ای به عنوان مناطق شهری انتخاب شدند و داده های لازم بر مبنای پرسشنامه هایی که در

انتهای فصل آمده از آن‌ها جمع آوری گردید. این داده‌ها نمونه معرفی بالغ بر 12000 خانوار شهری (33000 نفر فرد بالای 15 سال) را در بر می‌گیرد و از نظر وسعت گردآوری، مطالعه ملی محسوب می‌شود. در پیمایش گذران وقت ایران از افراد بالای 15 سال ساکن در نقاط شهری خواسته شده است تا نحوه گذران وقت خود را در طول 24 ساعت به ثبت برسانند. علاوه بر این، مجموعه‌ای از متغیرهای جمعیتی و اجتماعی نیز در پرسشنامه دیگری از نمونه تحقیق گردآوری شده است. بنابراین روش تحقیق در این مطالعه روش اسنادی است. جامعه آماری این مطالعه را زنان حداقل یک بار ازدواج کرده بالای 15 سال در مناطق شهری کشور در سال 1387-1388 تشکیل می‌دهند.

حجم نمونه

حجم نمونه مورد نظر این پژوهش پس از فیلتر کردن داده‌های پیمایش گذران وقت ایران 11329 نفر زن حداقل یک بار ازدواج کرده بالای 15 سال ساکن در مناطق شهری کشور در سال 1387-1388 می‌باشد. فقر زمانی برحسب متغیرهای مورد نظر این پژوهش (وضعیت اشتغال، وضعیت ازدواج و تعداد فرزندان وابسته (زیر 6 سال) با آزمون آماری ناپارامتریک کای-اسکوار با هم مقایسه شده است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

فقر زمانی بر حسب متغیرهای مورد نظر این پژوهش (وضعیت اشتغال، وضعیت ازدواج و تعداد فرزندان وابسته (زیر 6 سال) با آزمون آماری ناپارامتریک کای-اسکوار با هم مقایسه شده است. علاوه بر این از رگرسیون لجستیک برای برآورد احتمال دچار شدن به فقر زمانی هر یک از والدین برحسب متغیرهای مذکور استفاده شده است.

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیقات داخلی

در مورد فقر زمانی هنوز تحقیق جامعی که بتواند زوایای این پدیده اجتماعی را در ایران تبیین نماید انجام نشده است؛ لیکن در خصوص اوقات فراغت زنان شاغل، متأهل، نحوه تقسیم کار خانگی زنان متأهل و... که با ابعاد موضوع این تحقیق همسو می‌باشند؛ پژوهش‌هایی انجام شده که در ادامه خواهد آمد:

– قربانعلی ابراهیمی و رقیه مسلمی پطرودی سال 1390 در پژوهشی تأثیر ابعاد ذهنی، عینی و نهادهای سرمایه فرهنگی بر نحوه اوقات فراغت زنان را بررسی نمودند. نتایج این پژوهش در نشریه «زن در توسعه و سیاست»، دوره 9 شماره 4 منتشر شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین مشارکت زنان در فعالیت‌های فراغتی پایین‌تر از حد متوسط است. بدین جهت که نخستین مسئولیت زنان، سازماندهی امور خانه بوده و مسئولیت‌های خانگی به گونه‌ای است که تنظیم و مشخص کردن مرز کار از اوقات فراغت را دشوار

می‌سازد و موجب تکه تکه شدن اوقات فراغت می‌شود. از این رو برای زنان ترسیم خط میان کار و فراغت دشوار است. بسیاری از زنان از فضای یکسانی برای کار و اوقات فراغت بهره می‌گیرند که عمدتاً خانه است. همچنین شمار مؤسسات و فضاهای فراغتی عمومی که زنان می‌توانند در آن حضور یابند، محدود است. برخی از این فضاهای تفریحی و ورزشی، مردانه‌اند و زنان در آن احساس امنیت نمی‌کنند. زنان بیشتر به فعالیت‌های فراغتی خانوادگی می‌پردازند. بررسی میانگین مشارکت در اوقات فراغت نشان می‌دهد که زنان مشارکت بیشتری در فراغت فعال دارند. امروزه حضور بیشتر زنان در عرصه عمومی و افزایش سطح تحصیلات و اشتغال، موجب شده است که تغییراتی در رفتار و سبک زندگی آنها ایجاد شود و فراغت زنان از شکل غیرفعالانه به فعالانه تغییر یابد.

– حسینی و همکاران (1385) پژوهشی تحت عنوان "بررسی چگونگی اوقات فراغت در بین زنان شهر اراک" انجام دادند. خانم‌های مورد پژوهشی، مدت زمان فراغت خود را در شبانه روز بین 3 تا 8 ساعت بیان کرده‌اند. عمده فراغت آن‌ها صرف صحبت کردن با زنان دیگر و تماشای تلویزیون می‌شد و فعالیت‌های ورزشی و اجتماعی و مطالعه کمترین نقش را در گذران اوقات فراغت به خود اختصاص می‌دهند. از نظر این افراد مهمترین علت عدم استفاده از اوقات فراغت، عدم وجود امکانات تفریحی و فرهنگی است.

– یزدان پناه (1386) پژوهشی تحت عنوان "زنان متأهل و اوقات فراغت در ارومیه" انجام داد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، میزان فراغت زنان مورد مطالعه با چگونگی تقسیم کار خانگی، ارزش‌ها و نگرش‌ها، گرایش مذهبی، تعداد فرزندان خردسال و اشتغال آنان رابطه عکس دارد و به لحاظ چگونگی گذران اوقات فراغت، گذران هدفمند اوقات فراغت با متغیرهای سن و میزان صلاح‌دید همسران رابطه معکوس دارد و با متغیرهای تحصیلات و سبک زندگی فرد رابطه مستقیم دارد.

– یافته‌های پژوهشی علوی زاده (1387) تحت عنوان "بررسی چگونگی و نحوه گذران اوقات فراغت بانوان شهر کاشمر" نشان داد که گذران اوقات فراغت در جامعه مورد بررسی از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده و حدود تیمی از بانوان از چگونگی گذران اوقات فراغت خود ناراضی بوده‌اند. فقدان و یا کمبود امکانات و فضاهای مناسب جهت گذران اوقات فراغت زنان از عوامل بسیار مهم در عدم رضایت آن‌ها بوده است و در رابطه با چگونگی گذران این اوقات نمی‌توان مسائلی همچون کمبود وقت را نادیده گرفت.

– ربانی و شیر (1388) پژوهشی تحت عنوان "اوقات فراغت و هویت اجتماعی" در تهران انجام دادند. هدف تحقیق بررسی هویت اجتماعی در چارچوب تحلیلی مفهوم «اوقات فراغت» به مثابه بخشی از مفهوم عام «سبک زندگی» است. نتایج تحقیق بیانگر نقش تعیین کننده «طبقه اجتماعی» و ترکیب هم زمان «جنسیت» با طبقه اجتماعی در خطوط تمایز و تفاوت الگوهای گذران اوقات فراغت است. کاشگران اگرچه آزادی انتخاب دارند، اما این انتخاب توسط متغیرهای ساختاری و زمینه‌ای محدود شده است.

پیشینه تحقیقات خارجی

– زیلاناولا (2013) با استفاده از داده های پیمایش گذران وقت آمریکا در فاصله سال های 2003-2010 به بررسی فقر زمانی زنان آمریکایی می پردازد. نتایج مطالعه او نشان می دهد که مادران شاغل در مقایسه با زنان شاغل بدون فرزند با فقر زمانی بیشتری مواجه می شوند. نتایج این پژوهش همچنین نشان می دهد که خانواده هایی که از نظر درآمدی در میانه پنجهک درآمدی¹ هستند از میزان فقر درآمدی بیشتری نیز رنج می برند.

– بیتمن (2002) با تحلیل داده های هزینه استرالیایی² دریافت که ترکیب جنسیت، ساعات طولانی کار و مسئولیت های زن در خانه در فقر زمانی مؤثر است. مادرانی که به صورت تمام وقت کار می کنند و فرزندان خردسال نیز دارند احتمال بیشتری دارد که اوقات فراغت نداشته باشند.

– مک گینیتی و راسل (2007) نیز دریافتند که اشتغال و مراقبت از کودکان و بزرگسالان از جمله مهمترین متغیرهای اثرگذار بر فقر زمانی زنان هستند. در مطالعه ای دیگر که روی پیمایش گذران وقت آمریکا³ انجام شد، نتایج نشان داد که افراد شاغل و خانوارهایی که در آن ها فرزندان حضور دارند فقر زمانی بیشتری است (Kalenkoski, Hamrick, & Andrews, 2011).

– مطالعات دیگری نیز وجود دارند که عوامل مؤثر بر اوقات فراغت زنان را بررسی کرده اند. برای مثال یکی از قدیمی ترین مطالعات در این خصوص مطالعه ای است که به بررسی رابطه بین وضعیت ازدواج اوقات فراغت مادران پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد که تفاوت های کمی بین زمان اوقات فراغت زنان مجرد و ازدواج کرده وجود دارد و آنچه که تفاوت معناداری را در این رابطه ایجاد می کند وضعیت اشتغال زن و سن کوچکترین فرزند خانواده است (Sanik & Mauldin, 1986; Douthitt, Zick, & McCullough, 1990 Cited in Zilanawala, 2013).

– عبدالرحمن⁴ (2010) در مقاله ای با عنوان «فقر زمانی: عاملی برای فقر زنان؟» تأکید می کند که نابرابری چالش اصلی برای توسعه و مانعی برای تحقق اهداف هزاره توسعه می باشد. نابرابری اشکال مختلفی دارد شامل نابرابری درآمدی، نابرابری در دسترسی و کنترل بر دارایی و منابع، نابرابری در دسترسی به حقوق سیاسی و مدنی، و نابرابری در دسترسی به حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی. همه این اشکال نابرابری جنسیتی شده هستند. یکی از اشکال نابرابری که کمتر مورد توجه واقع شده است اما پیامدهای بسیار مهم و مخربی برای زنان دارد فقر زمانی است. این مقاله در تحلیل این نوع از نابرابری ابتدا نشان می دهد که چگونه مدت زمانی که زنان به کارهای بدون مزد و مزدی اختصاص می دهند، سبب بروز فقر زمانی بین زنان می شود و این فقر زمانی چه پیامدهایی برای اهداف هزاره توسعه دارد. این مقاله نتیجه می گیرد که

¹ middle income quintiles

² Australian Expenditure data

³ American Time Use Survey

⁴ Abdourahman

مطالعه فقر زمانی و فهم عوامل موثر بر آن به سیاستگذاران کمک می کند تا در راستای کاهش آن گام بردارند. این موضوع از این حیث اهمیت دارد که کاهش فقر زمانی زنان سبب کاهش سایر جنبه های فقر آنان می گردد و دستیابی به اهداف توسعه هزاره را تسهیل می بخشد.

— لاوسون¹ (2012) با استفاده از داده های ملی پیمایش گذران وقت و ترکیب آن با داده های سطح خانوار و اجتماع، به بررسی تاثیر زیر ساخت ها بر جنسیتی شدن فقر زمانی می پردازد. این مطالعه اساساً روی زنان در صحرای آفریقا و به خصوص لسوتو متمرکز شده و تأکید می کند که مدت زمانی که زنان به کار مزدی و کار غیر مزدی اختصاص می دهند، پیوند غیر قابل انکاری با سایر جنبه های فقر آنان دارد و کاهش فقر زمانی زمینه ساز کاهش ابعاد دیگر فقر می گردد. با استفاده از داده های مذکور لاوسون نتیجه می گیرد که در خصوص لسوتو، زنان با فقر زمانی بیشتری مواجه اند. زیرساخت ها نظیر طی مسافت طولانی برای دسترسی به سیستم حمل و نقل عمومی و آب آشامیدنی در تشدید فقر زمانی زنان در لسوتو اهمیت زیادی دارد.

— ثاقب و عارف² (2012) در مطالعه خود در پاکستان و با تحلیل داده های گذران وقت مربوط به سال 2007 در این کشور دریافتند که هنگام تحلیل کل داده ها، وقوع فقر زمانی 14 درصد است و زنان فارغ از این که شاغل باشند یا شاغل نباشند، در مقایسه با مردان احتمال بیشتری دارد که با فقر زمانی مواجه گردند. در واقع فعالیت های خاص زنانه ای وجود دارند که زنان بدون در نظر گرفتن وضعیت اشتغال خود مؤلفند آن ها را انجام دهند. این بار اضافی زمان نقش بسیار مهمی در مواجه شدن زنان با فقر زمانی در پاکستان بازی می کند. همچنین زنان شاغل در مقایسه با زنان غیرشاغل به میزان بیشتری با فقر زمانی مواجه می شوند. بنابراین زنان با پذیرفتن شغل، در واقع در تلاش هستند بین فقر درآمدی و فقر زمانی نوعی تعادل ایجاد کنند. بعبارت دیگر آنان برای رهایی و یا کاهش فقر درآمدی به اشتغال روی می آورند اما فقر زمانی بیشتری را تجربه می کنند. یافته های این پژوهش می تواند به سیاستگزاری برای کاهش فقر زمانی زنان در پاکستان منجر گردد. برای مثال، ترتیباتی باید اندیشیده شود تا با تغییر باور عمومی مردان نیز در امور بدون مزد نظیر خانه داری و بچه داری مشارکت نمایند و نوع تقسیم کار عادلانه در این خصوص باید فراهم آید. بهبود وضعیت تحصیلی زنان نیز اهمیت زیادی دارد زیرا تحصیلات بیشتر سبب می شود زنان با فقر زمانی کمتری مواجه شوند.

مبانی نظری

انقلاب صنعتی؛ تفکیک کارمزدی و غیر مزدی مقدمه ای برای فقر زمانی زنان

¹ Lawson

² Saqib and Arif

فقر زمانی زنان از نقطه ای آغاز شد که کار مزدی و غیر مزدی از یکدیگر تفکیک و خانواده به عنوان یک واحد تولیدی به دلیل انقلاب صنعتی و توسعه شهرنشینی جایگاه خود را از دست داد. تا پیش از انقلاب صنعتی و شهرنشینی که خانواده یک واحد تولیدی یگانه محسوب می شد، تفاوت بین کار خانگی و بچه داری بدون مزد و کار مزدی در خارج از خانه معنا و مفهومی نداشت. در این شرایط تولید یا در خانه یا در نزدیکی آن انجام می شد و همه اعضای خانواده یا در کار بروی زمین و یا در صنایع دستی مشارکت داشتند. در شهرها، کارگاه‌ها معمولاً در خانه بودند و اعضای خانواده به جنبه‌های مختلف فرایند تولید کمک می کردند. برای مثال در صنعت بافندگی، کودکان کار شانه زنی و دفته زنی را انجام می دادند، دختران بزرگتر و مادران کار نخ ریستن را و پدران کار بافتن را انجام می دادند. زنان و کودکان به همین گونه مستقیماً با مردان در کار خیاطی، کفاشی و نانواپی کار می کردند (گیدنر 1376:188). در واقع تا پیش از صنعتی شدن، خانواده یک واحد تولیدی و مصرفی بود که در آن اعضای خانواده شامل زنان، مردان و کودکان در کنار یکدیگر به تولید می پرداختند. در این واحد تولیدی هرچند برخی از فعالیت‌ها زنانه و برخی مردانه تلقی می شدند؛ اما کار هیچ یک از افراد قابل سنجش با پول نبود و امکان تعیین سهم هر یک از افراد در درآمد عمومی خانواده نیز امکان پذیر نبود، در نتیجه فعالیت کلیه افراد خانواده در جهت رفاه عمومی خانواده انجام می شد (اعزازی 1376:146).

گیدنر (1376) علاوه بر نقش صنعتی شدن در تفکیک کار بدون مزد خانگی و بچه داری با کار مزدی، به نقش شهرنشینی می پردازد. او معتقد است قبل از شهرنشینی اکثر زنان وظایف گوناگونی را افزون بر مراقبت از کودکان و کارهای خانه انجام می دادند.

نادیده انگاشته شدن کار بدون مزد خانه داری و بچه داری زنان و پیامد آن برای فقر زمانی زنان

در پی انقلاب صنعتی و توسعه شهرنشینی کار مزدی و غیر مزدی از یکدیگر فاصله گرفت و سبب شد تا زنان در خانه بمانند و به کار غیر مزدی بپردازند و مردان در کارخانه‌ها کار مزدی انجام دهند. عدم پرداخت دستمزد به کار غیر مزدی زنان سبب شد تا این قبیل کارها «کار» تلقی نشوند. عدم تلقی کارهای بدون مزد خانگی نظیر خانه داری و بچه داری از یک سو و زنانه شدن این قبیل کارها از سوی دیگر پایه و اساس زنانه شدن فقر زمانی را در پی داشت. در واقع حضور بیشتر زنان در بازار کار مزدی در سال‌های مربوط به جنگ جهانی دوم (به دلیل حضور مردان در جبهه‌های جنگ) از یک سو و زنانه بودن کارهای بدون مزد خانگی از سوی دیگر زنان را با فشار مضاعف و در نتیجه با فقر زمانی مواجه ساخت.

علی رغم نادیده انگاشته شدن کار بدون مزد خانگی، فمینیست‌ها استدلال کرده اند که خانه داری نیز کار است و باید از همین وجه به آن نگریست (آبوت و والاس 1380:171). این در حالی است که عموماً مادری و کارهای خانه توسط جامعه شناسان به طور عام و فمینیست‌ها به طور خاص نادیده انگاشته می شده

است. گیدنز در این خصوص بحث می کند که مطالعه مارکس درباره کار بیگانه شده، کاملاً بر کار کارگر در مؤسسه اقتصادی متمرکز بوده و بیشتر بحث های جامعه شناسی صنعتی از آن زمان به بعد از او سرمشق گرفته اند که در نتیجه آن کار بی مزد به ویژه کار زنان در حوزه خانگی تا اندازه زیادی نادیده گرفته شده است (گیدنز 1376:545). این در حالی است که اوکلی¹ پیشتاز مطالعه کار خانگی، کار جسمانی صرف شده برای مادری و کارهای خانه را تقریباً معادل کار جسمانی صرف شده برای کارهای مزدی می داند. برناردز² معتقد است، حداقل نیمی از همه درس ها و مقالات مربوط به کار باید درباره مادری و کارهای خانه باشد (برناردز 1388).

کار مزدی زنان و مادری: پیوندی نامبارک برای مواجه شدن زنان شاغل با فقر زمانی

در میانه سده نوزدهم با انقلاب صنعتی و جدایی محل کار از محل زندگی، نوع خاصی از تقسیم کار جنسیتی شده بوجود آمد که بر مبنای آن زنان در خانه ماندند و به کارهای بی مزد مانند خانه داری و بچه داری پرداختند. مردان به کارهای مزدی در کارخانه ها پرداخته و خانه را ترک نمودند. اخیراً موضوعی که توجه بسیاری از فمینیست ها و جامعه شناسان را به خود جلب نموده است، نابرابری جنسیتی در فعالیت های مربوط به زنان شاغل و مواجه شدن آنان با فقر زمانی است. از یک سو زنان در بازار کار مزدی مشارکت می نمایند و از سوی دیگر وظایف مربوط به خانه و مادری را بر دوش می کشند. امری که از آن به عنوان بار مسئولیت مضاعف یاد می شود. برناردز (1388) معتقد است، بار مسئولیت مضاعف زمانی را که به کار مزدی اشتغال دارند، نخست موردال و کلاین³ در 1956 تشخیص دادند. بنستون⁴ در توصیف بار مسئولیت مضاعف زنان شاغل می نویسد: «خانه داری همواره مسئولیت زنان است. هنگامی که بیرون از خانه کار می کنند باید ترتیبی بدهند که هم وظایف شغلی و هم امور خانه رو به راه باشد (یا کمکی برای خانه داری تدارک ببینند). زنان شاغل به ویژه زنان متأهل بچه دار عملاً دو شغل دارند؛ مشارکت ایشان در بازار کار تنها در صورتی مجاز است که از عهده مسئولیت نخست خود در خانه برآیند... تا زمانی که کار در خانه در زمره تولید خصوصی و مسئولیت زنان شمرده شود آنان بار کار مضاعف را به دوش خواهند کشید» (بنستون 1969 به نقل از تانگ 1387:94).

گیدنز (1376) نیز معتقد است، زنان متأهلی که در بیرون از خانه اشتغال دارند کمتر از دیگران کار خانگی انجام می دهند، اگر چه آنها تقریباً همیشه بار اصلی مسئولیت مراقبت از خانه را بر دوش می گیرند. نتایج بررسی ها و مطالعات تجربی نیز این ادعا را تأیید می کند. برای مثال نتایج پژوهش میردال در فرانسه نشان داد، زمانی که زن خانه دار بدون فرزند به 56 ساعت کار در خانه نیاز داشت، زن شاغل متأهل بدون فرزند

¹. Oakley

². Bernardes

³. Myrdal and Kline

⁴. Benston

برای همان کار 5.45 ساعت لازم داشت. اما باید در نظر داشت که زن شاغل 1.39 ساعت نیز خارج از منزل کار کرده و مجموع ساعات کاری او به 6.84 ساعت در هفته می‌رسد.

جدول 1: ساعات کاری در هفته، زنان خانه دار و زنان متاهل-شاغل با توجه به تعداد فرزندان در فرانسه

وضعیت شغلی	تعداد فرزندان	ساعات کار در منزل	ساعات کار شغلی	مجموع ساعات کار در هفته
زنان خانه دار	0	56	-	56
زنان متاهل-شاغل	0	5.45	1.39	6.84
زنان خانه دار	1	5.73	-	5.73
زنان متاهل شاغل	1	1.44	38	1.83
زنان خانه دار	2	8.73	-	8.73
زنان متاهل-شاغل	2	3.46	2.35	4.81
زنان خانه دار	3 و بیشتر	7.77	-	7.77
زنان متاهل-شاغل	3 و بیشتر	3.48	2.35	5.83

منبع: میردال 1977 به نقل از اعزازی 160:1376

اوقات فراغت و فقر زمانی

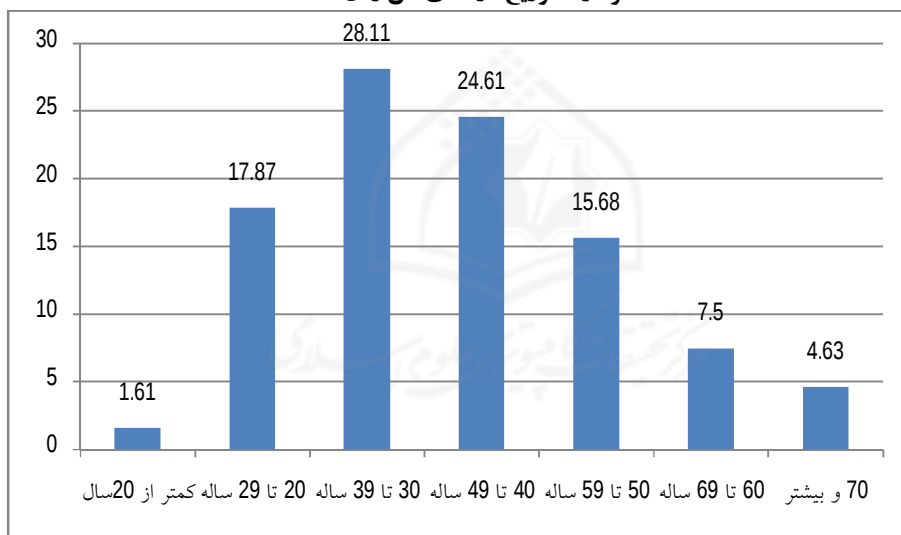
فقر زمانی به معنای نداشتن اوقات فراغت نیست. اساساً به لحاظ مفهومی این دو با هم تفاوت دارند. فقر زمان در واقع مدت زمان باقی مانده برای فرد پس از انجام فعالیت های مراقبت شخصی و کارهای مزدی و غیر مزدی را می‌سنجد. بنابراین فرد بیکاری که پولی برای خرج کردن ندارد ممکن است قادر نباشد فعالیت های مرتبط با اوقات فراغت زیادی داشته باشد و از نظر اوقات فراغت فقیر باشد اما بر عکس او ممکن است فقر زمانی ناچیزی داشته باشد. همچنین مادر ازدواج کرده فاقد فرزند در مقایسه با مادر فاقد همسری که دارای دو کودک خردسال است فقر زمانی کمتری دارد زیرا زمانی که برای کارهای مزدی و غیر مزدی اختصاص می‌دهد بسیار کمتر است و در نتیجه در طول روز پس از انجام فعالیت غیر مزدی و مراقبت شخصی، فرصت باقیمانده بیشتری در اختیار خواهد داشت؛ خواه این فرصت را به اوقات فراغت اختصاص بدهد، خواه آن را اختصاص ندهد. بدون شک فقر زمانی و اوقات فراغت می‌توانند به لحاظ مفهومی با یکدیگر همپوشانی نیز داشته باشند. برای مثال فرد بازنشسته ای که ثروت زیادی دارد نه تنها از نظر زمانی فقیر نیست بلکه از نظر اوقات فراغت غنی نیز هست زیرا او قدرت تبدیل زمان اضافی یا خالی را به اوقات فراغت دارد.

یافته‌های تحقیق

توزیع فراوانی و درصدی سن نمونه مورد بررسی

از نظر سنی 1.61 درصد از نمونه مورد بررسی در این پژوهش در گروه سنی کمتر از 20 سال جای دارند که کمترین درصد را در بین گروه‌های سنی تشکیل می‌دهد. 17.87 درصد در گروه سنی 20 تا 29 سال، 28.11 درصد در گروه سنی 30 تا 39 سال، 24.61 درصد در گروه سنی 40 تا 49 سال، 15.68 درصد در گروه سنی 50 تا 59 سال، 7.5 درصد در گروه سنی 60 تا 69 سال و 4.63 درصد در گروه سنی 70 و بیشتر جای دارند.

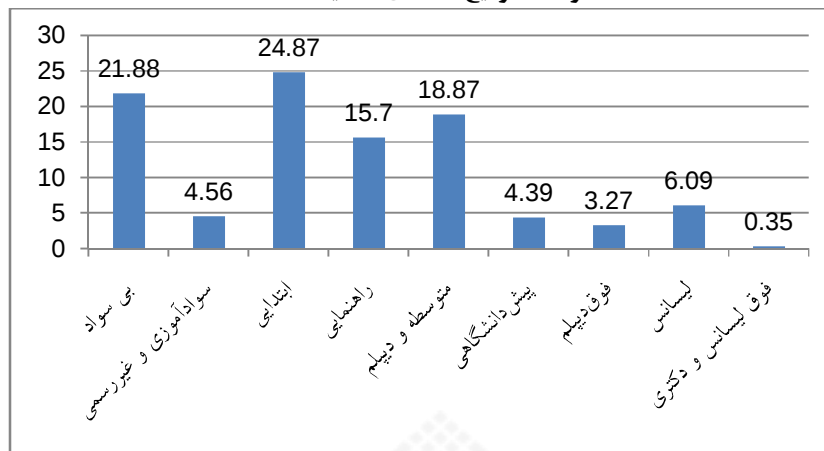
نمودار 1: توزیع درصدی سن زنان



توزیع فراوانی و درصدی تحصیلات نمونه مورد بررسی

نتایج نشان می‌دهد که 88.21 درصد از زنان بی‌سواد، 4.56 درصد دارای تحصیلات سوادآموزی و غیررسمی، 24.87 درصد ابتدایی، 15.70 درصد راهنمایی، 18.87 درصد متوسطه و دیپلم، 4.39 درصد پیش‌دانشگاهی، 3.27 درصد فوق‌دیپلم، 6.09 درصد لیسانس و تنها 0.35 درصد فوق‌لیسانس و دکتری هستند.

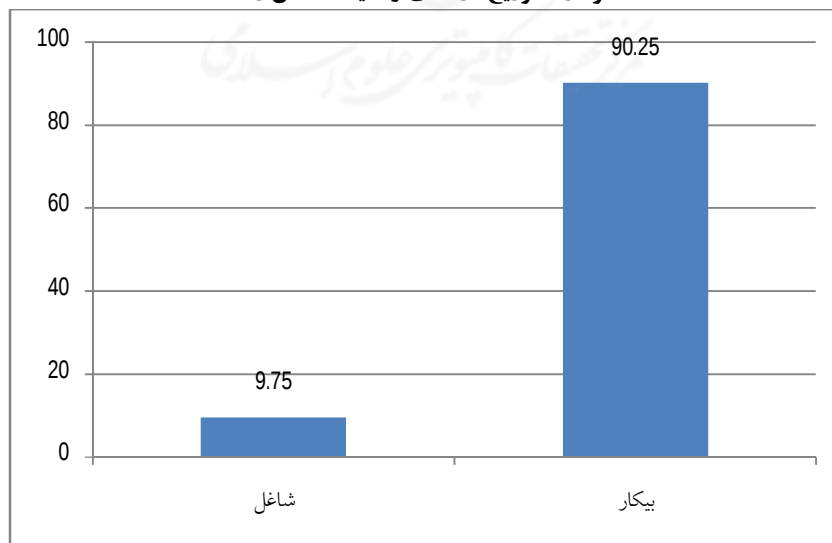
نمودار 2: توزیع درصدی تحصیلات زنان



توزیع فراوانی و درصدی وضعیت اشتغال نمونه مورد بررسی

از مجموع زنان مورد بررسی در این تحقیق، 75.9 درصد شاغل هستند و بقیه 25.90 درصد بیکار هستند.

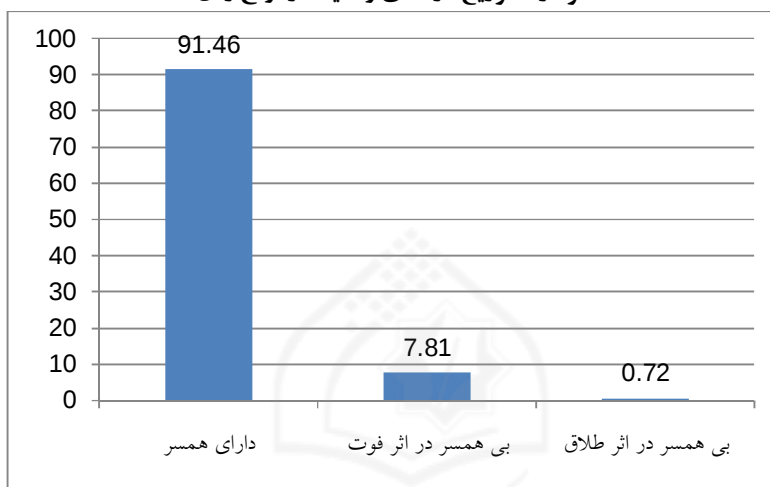
نمودار 3: توزیع درصدی وضعیت اشتغال زنان



توزیع فراوانی و درصدی وضعیت ازدواج نمونه مورد بررسی

نتایج همچنین نشان می دهد که 46.91 درصد از زنان مورد بررسی در این پژوهش دارای همسر، 7.81 درصد بی همسر در اثر فوت و 0.72 درصد بی همسر در اثر طلاق هستند.

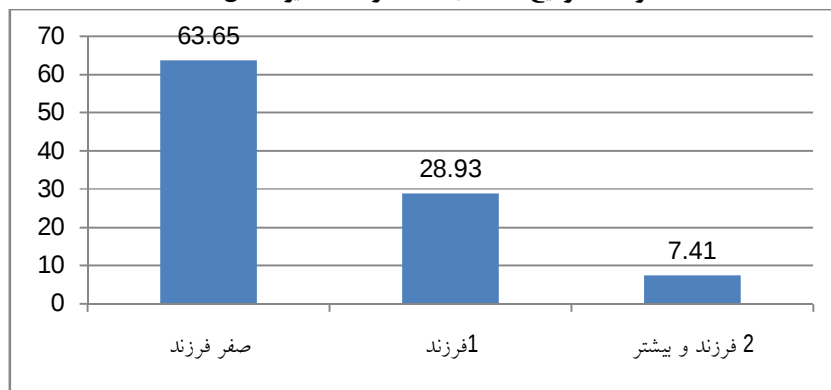
نمودار 4: توزیع درصدی وضعیت ازدواج زنان



توزیع فراوانی و درصدی تعداد فرزندان زیر 6 سال نمونه مورد بررسی

65.63 درصد از نمونه مورد بررسی در این مطالعه، فاقد فرزند زیر 6 سال هستند، این در حالی است که 93.28 درصد از آنان یک فرزند و 41.7 درصد دو فرزند زیر 6 سال و یا بیشتر از آن را دارند.

نمودار 5: توزیع درصدی تعداد فرزندان زیر 6 سال زنان



نتایج آزمون فرضیات

– فرضیه شماره 1: وضعیت اشتغال بر فقر زمانی در زنان حداقل یک بار ازدواج کرده در مناطق شهری تأثیرگذار است. آزمون آماری کای-اسکوار این رابطه را تأیید می‌کند؛ به طوری که آماره کای اسکوار با مقدار 444.90 از نظر آماری معنادار می‌باشد ($\text{sig}=0.000$). ضریب همبستگی وی کرامر نیز نشان می‌دهد که بین دو متغیر همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. بنابراین فرضیه اول تحقیق تأیید می‌گردد.

– فرضیه شماره 2: وضعیت اشتغال بر فقر زمانی در زنان حداقل یک بار ازدواج کرده در مناطق شهری تأثیرگذار است. در خصوص فرضیه دوم آماره کای اسکوار با مقدار 15.699 و در سطح آماری بالای 99 درصد نشان می‌دهد رابطه معناداری بین وضعیت ازدواج فقر زمانی زنان وجود دارد ($\text{sig}=0.008$).

– فرضیه شماره 3: وضعیت اشتغال بر فقر زمانی در زنان حداقل یک بار ازدواج کرده در مناطق شهری تأثیرگذار است. نتایج تحلیل آماری فرضیه سوم تحقیق را نیز تأیید می‌کند. به عبارت دیگر آماره کای اسکوار با مقدار 18.717 با اطمینان آماری بالای 99 درصد از نظر آماری معنادار شده است ($\text{sig}=0.009$).

پیشنهادهای

– اتخاذ تدابیر لازم از سوی دولت به منظور افزایش نرخ باروری زنان متأهل در سایه توجه ویژه به بودجه زمانی زنان و کاهش فقر زمانی؛ در این راستا ایجاد مشوق های مالی، فرهنگ سازی مناسب، معرفی الگوهای مؤفق مدیریت زمان در خانواده پیشنهاد می‌گردد.

– فراهم نمودن امکانات مراقبت از کودکان در محل کار زنان شاغل

– فراهم نمودن امکانات مراقبت از کودکان توسط دولت برای مادران شاغل در بیرون از محل کار مادران شاغل تا مادران پس از اتمام کار نیز وقت کافی برای پرداختن به کارهای غیرمزدی و مراقبت شخصی را داشته باشند.

– پرداخت کمک هزینه مراقبت از کودک به مادران شاغل به طوری که این کمک هزینه قادر باشد هزینه های مراقبت از کودک مادران شاغل را در مؤسسات خصوصی نظیر مهدهای کودک پوشش دهد. این مهم می‌بایست از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی در قالب لایحه پیشنهاد شده و در صورت تصویب مجلس به دستگاه های مجری ابلاغ شود.

– ترغیب مردان و فرزندان به مشارکت در کارهای غیرمزدی در منزل نظیر مراقبت از کودکان و امور خانه داری و تغییر کلیشه های جنسیتی در جامعه که کارهای غیرمزدی را زنانه تلقی می‌کنند. تغییر کلیشه های جنسیتی که کارهای بدون مزد خانگی را زنانه تلقی کرده و در هر حالی آنان را مسئول این امور می‌داند امری زمان بر به نظر می‌رسد اما ناشدنی نیست و در طول زمان از طریق جامعه پذیری فرزندان و آموزش

آنان و جای دادن آموزش های لازم در کتب درسی آنان و یا ساخت سریال های تلویزیونی تغییر کلیشه جنسیتی و ترغیب مردان و فرزندان به مشارکت در امور خانه امکان پذیر است.

– توجه ویژه به زنان شاغل بدون همسر در اثر طلاق و یا در اثر فوت که دارای فرزند خردسال هستند و در اولویت قرار دادن آن ها در استفاده از امکانات مراقبت از کودک رسمی (مهد کودک ها) و اولویت قرار دادن آن ها در دریافت کمک هزینه مراقبت از کودکان

– طراحی برنامه دوستی خانواده و تشویق مردان به مشارکت در امور خانه به منظور کاهش فقر زمانی زنان متأهل با مشارکت مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت آموزش و پرورش و سازمان صدا و سیما

– حمایت ویژه از زنان سرپرست خانواده فاقد همسر توسط سازمان های حمایتی به منظور فراهم شدن بستر لازم برای کاهش فقر زمانی زنان و انجام وظایف مادری در خانواده ها مانند: توسعه بیمه های اجتماعی زنان سرپرست خانوار به همه زنان نیازمند در سراسر کشور، توسعه اشتغال خانگی به منظور در دسترس بودن زنان جهت تربیت فرزندان و پرهیز از دور بودن از کانون خانواده با مشارکت مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی (ره)

جدول 2: سیاست های جمعی پیشنهادی

ردیف	فرضیه	نتیجه	سیاست های جمعیتی پیشنهادی
1	وضعیت اشتغال بر فقر زمانی در زنان حداقل یک بار ازدواج کرده در مناطق شهری تأثیر گذار است.	تأیید با بیشترین تأثیر	فراهم نمودن امکانات مراقبت از کودکان در محل کار زنان شاغل یا بیرون از محل کار پرداخت کمک هزینه مراقبت از کودک به مادران شاغل حمایت ویژه از زنان فاقد همسر توسط سازمان های حمایتی به منظور فراهم شدن بستر لازم برای کاهش فقر زمانی زنان و انجام وظایف مادری در خانواده ها
2	وضعیت ازدواج بر فقر زمانی در زنان دارای همسر، بدون همسر در اثر فوت و طلاق مؤثر است.	تأیید	(بیمه اجتماعی زنان سرپرست خانوار، اشتغال خانگی و...) افزایش زمان مرخصی زایمان زنان شاغل کاهش ساعات کاری مادران شاغل
3	تعداد فرزندان وابسته (زیر 6 سال) در خانواده بر افزایش فقر زمانی تأثیر گذار است.	تأیید	در نظر گرفتن مشوق های مالی برای نهادینه شدن تعدد فرزندآوری در خانواده ها به عنوان سیاست جمعیتی مولد دوستی خانواده و تشویق مردان به مشارکت در امور خانه به منظور کاهش فقر زمانی مادران

فهرست منابع و مآخذ

- آبوت، پاملا و والاس، کالر (1380) جامعه شناسی زنان. ترجمه: منیژه نجم عراقی، نشر نی.
- اعزازی، شهلا (1376) جامعه شناسی خانواده: با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- برناردز، جان (1388) درآمدی به مطالعات خانواده. ترجمه: حسین قاضیان، چاپ دوم، نشر نی.
- تانگ، رزمی (1387) درآمدی جامع بر نظریه های فمینیستی. ترجمه: منیژه نجم عراقی، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (1376) جامعه شناسی. ترجمه: منوچهر صبوری، چاپ سوم، نشر نی.

—Bittman, M. (2002). Social participation and family welfare: The money and time costs of leisure in Australia. *Social Policy and Administration*, 36, 408 - 425.

—Charlene M. Kalenkoski, Karen S. Hamrick and Margaret Andrews (2011) Time Poverty Thresholds and Rates for the US Population. *Social Indicators Research*, Vol. 104, No. 1 (October 2011), pp. 129-155.

—Chant, S. (2006) Re-thinking the “Feminization of Poverty” in Relation to Aggregate Gender Indices. *Journal of Human Development* Vol. 7, No. 2, July 2006.

—Lawson, D. (2012) A Gendered Analysis of Time Poverty: The Importance of Infrastructure. Global Poverty Research Group Website: <http://www.gprg.org/>

—Marcelo Medeiros and Joana Costa, International Poverty Centre (2008) What Do We Mean by “Feminization of Poverty”? International Poverty Center, One Pager, Number 58.

—McGinnity, F. , & Russell, H. (2007). Work rich, time poor? Time-use of women and men in

—Abdourahman, O. I. (2010) Time Poverty: A Contributor to Women’s Poverty?. *Journal statistique africain*, numéro 11, novembre 2010.

—Saqib, N. U. and Arif, G. M. (2010) Time Poverty, Work Status and Gender: The Case of Pakistan. *PIDE Working Papers*, 2012: 81.

—Zilanawala, A. (2013). Women's time poverty: Differences by family structure, employment, and gender ideology (Order No. 3551673). Available from ProQuest Dissertations & Theses Global. (1288855298). Retrieved from: <http://search.proquest.com/docview/1288855298?accountid=45153>

